

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قانون امور حسبی  
مصوب ۱۳۱۹/۴/۲  
نموداری

تدوین:

محمد مهدی رحیمی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه : رحیمی، محمدمهدی، ۱۳۵۹-  
 عنوان و نام پدیدآور : قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲ نموداری  
 مشخصات نشر : تهران: چتر دانش، ۱۳۹۳.  
 مشخصات ظاهری : ۱۳۷ص؛ ۱۱ × ۱۷ س.م.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۵۰-۴  
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپای مختصر  
 یادداشت : این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>  
 قابل دسترسی است.  
 شناسه افزوده : موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش  
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۶۷۶۶۴

نام کتاب : قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲ نموداری  
 ناشر : چتر دانش  
 تدوین : محمد مهدی رحیمی  
 نوبت و سال چاپ : چهارم- ۱۳۹۸  
 شمارگان : ۱۰۰۰  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۵۰-۴  
 قیمت : ۸۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸  
 تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷-۶۶۴۰۲۳۵۳- تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳  
 پست الکترونیک: [nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)  
 کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرترف‌دارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصفه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## فهرست

قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹.....	۷
باب اول: در کلیات.....	۷
باب دوم: در قیمومت.....	۲۰
فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت.....	۲۰
فصل دوم: ترتیب تعیین قیم.....	۲۴
فصل سوم: اختیارات و مسئولیت قیم.....	۳۲
فصل چهارم: عزل قیم.....	۳۹
باب سوم: امور راجع به امین.....	۴۱
باب چهارم: راجع به غایب مفقودالاثَر.....	۴۸
فصل اول: در صلاحیت دادگاه.....	۴۸
فصل دوم: در تعیین امین.....	۵۰
فصل سوم: دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه.....	۵۳
فصل چهارم: در حکم موت فرضی.....	۵۸
از قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثَر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در محاکم صالح مصوب ۱۳۷۶.....	۶۲
باب پنجم: در امور راجع به ترکه.....	۶۳
فصل اول: در صلاحیت.....	۶۳
فصل دوم: در مهر و موم.....	۶۵

۷۵.....	فصل سوم: در برداشتن مهر و موم .....
۷۹.....	فصل چهارم: در تحریر ترکه .....
۸۴.....	فصل پنجم: راجع به دیون متوفی .....
۸۴.....	مبحث اول: استیفاء دین از ترکه.....
۹۰.....	مبحث دوم: قبول ترکه .....
۹۲.....	مبحث سوم: رد ترکه .....
۹۳.....	مبحث چهارم: قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه.....
۹۵.....	مبحث پنجم: تصفیه.....
۱۰۰.....	فصل ششم: راجع به وصیت.....
۱۰۹.....	فصل هفتم: در تقسیم.....
۱۱۸.....	فصل هشتم: در ترکه متوفای بلاوارث .....
۱۲۱.....	فصل نهم: راجع به ترکه اتباع خارجه .....
۱۲۸.....	فصل دهم: در تصدیق انحصار وراثت.....
۱۳۶.....	باب ششم: در هزینه.....

## راهنما

خوانندگان گرامی! لازم به یادآوری است که نشانه های درج شده در ابتدای هر ماده قانونی نشانگر درجه اهمیت ماده های ذکر شده می باشد. به طوری که مواد قانونی که دارای علامت **III** می باشند از بیشترین درجه اهمیت نسبت به سایر مواد قانونی برخوردار هستند. که این مواد را ممتاز می نامیم و بدیهی است سایر مواد از لحاظ اهمیت آزمونی و کاربردی از اهمیت کمتری برخوردارند. به طوری که علامت های **II** **I** در ابتدای سایر مواد قانونی به تدریج نشانگر درجه اهمیت خیلی مهم و مهم می باشند.

لازم به ذکر است آن دسته از مواد قانونی که در ابتدای آنها هیچ نشانه ای وجود ندارد از درجه اهمیت آزمونی و کاربردی پایین تری نسبت به سایر مواد قرار دارند.

## قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲

### باب اول: در کلیات

▣ ماده ۱- امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها

متوقف بر وقوع  $\left. \begin{array}{l} - \text{اختلاف و منازعه بین اشخاص} \\ - \text{و اقامه دعوی} \end{array} \right\}$  از طرف آنها باشد.

▣ ماده ۲-  $\left. \begin{array}{l} - \text{رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد} \\ - \text{مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد.} \end{array} \right\}$

▣ ماده ۳- رسیدگی به امور حسبی در دادگاه‌های حقوقی به عمل می‌آید.

▣ ماده ۴- در موضوعات حسبی هر گاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود

$\left. \begin{array}{l} - \text{دادگاه مزبور می‌تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در} \\ \text{حوزه آن باید بشود ارجاع نماید} \\ - \text{و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه} \\ \text{را به دادگاه ارجاع‌کننده امر می‌فرستد.} \end{array} \right\}$

▣ ماده ۵- مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی

ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

▣ **ماده ۶-** در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی

صالح باشند **دادگاهی که بدو<sup>ا</sup> به آن رجوع شده است** رسیدگی می‌نماید.

▣ **ماده ۷-** در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاه‌ها رفع

اختلاف به ترتیب مقرر در **آیین دادرسی مدنی** به عمل می‌آید.

▣ **ماده ۸-** دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

- ( ۱- اموری که در آنها ذینفع است.  
۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه‌ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).  
۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.  
۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ( - ولایت یا - قیمومت یا نسبت به آنها دارد. - نمایندگی )

▣ **ماده ۹-** در موارد خودداری دادرس هر گاه در آن حوزه دادرس

صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به **دادگاه نزدیکتر** ارجاع می‌شود.

▣ **ماده ۱۰-** در موارد ماده ۷

- ( - دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی  
- اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند. )



☐ ماده ۱۱- ( - عدم صلاحیت محلی دادگاه یا  
 - خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری ) رافع

آثار قانونی ( - اقدام یا  
 - تصمیمی ) که به عمل آمده است نخواهد بود.

☐ ماده ۱۲- ( - روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در  
 امور حسبی نیست  
 - ولی دادرس می تواند رسیدگی را در روزهای  
 تعطیل به تأخیر اندازد ) مگر

اینکه امر از امور فوری باشد.

☐ ماده ۱۳- درخواست در امور حسبی ممکن است ( - کتبی یا  
 - زبانی ) باشد

درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء درخواست کننده  
 می رسد.

☐ ماده ۱۴- در امور حسبی

( - دادرس باید هر گونه ( - بازجویی و  
 - اقدامی ) که برای اثبات قضیه  
 لازم است به عمل آورد ) و در  
 ( - هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد )

تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلائلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.

▣ ماده ۱۵- اشخاص ذینفع می‌توانند

- شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا
- نماینده بفرستند و نیز
- می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند.

و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.

تبصره- نماینده اعم از وکلاء دادگستری یا غیر آنها است.

▣ ماده ۱۶- حساب مواعد

- به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده و
- اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.

▣ ماده ۱۷- در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است.

▣ ماده ۱۸- اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را

- ملاحظه نموده
  - و از محتویات آن رونوشت
- از دفتر دادگاه
- گواهی شده یا
  - گواهی نشده

بگیرند.

□ **ماده ۱۹-** هر گاه ضمن رسیدگی به امور حسبی

– دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد  
– دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات **دادرسی فوری** صادر می‌نماید.

□ **ماده ۲۰-** اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به

مواردی است که در قانون تصریح شده است.

□ **ماده ۲۱-** در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می‌باشد

– اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است  
– که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.

□ **ماده ۲۲-** دادرس پس از تمام شد بازجویی و رسیدگی منتهی در

**ظرف دو روز** تصمیم خود را اعلام می‌نماید.

□ **ماده ۲۳-** تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد.

□ **ماده ۲۴-** در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب

ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است.

□ **ماده ۲۵-** در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید

**دادرس می‌تواند** ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.

□ **ماده ۲۶-** هر گاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود

در دادگاه حاضر باشد

– تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و  
– رونوشت نیز به او داده می‌شود.

▣ ماده ۲۷– تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل  
– پژوهش و  
– فرجام نیست

جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

### رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۱

احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذینفعی که طبق قانون امور حسبی در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث ندارند قابل فرجام نیست. متن رأی:

چون به موجب ماده ۲۷ قانون امور حسبی تصمیم دادگاه وقتی قابل فرجام است که در قانون تصریح شده باشد و در مورد تصمیم دادگاه راجع به حجر در قانون تصریح به حق فرجام شده است و مستنبط از ماده ۴۴ قانون مزبور هم که حق فرجام در آن تصریح گردیده ناظر به موردی است که شخص ثالث بر تصمیم دادگاه اعتراض کرده باشد بنابراین احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذینفعی که طبق ماده ۱۵ قانون مذکور در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث نداشته‌اند قابل فرجام نمیباشد.

▣ ماده ۲۸– مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعوی دارد.

□ ماده ۲۹- مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.

□ ماده ۳۰- در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده

– و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید  
– مشروط به اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد.

□ ماده ۳۱- مهلت جدید

– نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و  
– درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.

□ ماده ۳۲- شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می شود

– دفتر نامبرده باید فوراً شکایت نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و  
– منتهی در ظرف دو روز شکایت نامه پژوهشی را با برگهای مربوط به آن دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد.

□ ماده ۳۳ - شکایت پژوهشی

□ - ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و به امضاء ( - شاکی و - دادرس ) می‌رسد و این صورت مجلس با برگهای مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.

□ ماده ۳۴ - شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر ( - جهات یا - ادله ) جدید باشد.

□□ ماده ۳۵ - شکایت پژوهشی موجب

□ - تعویق اجراء تصمیم مورد شکایت نمی‌شود  
□ - مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.

□□ ماده ۳۶ - تصمیم دادگاه استان به ( - اتفاق یا به - اکثریت آراء ) معلوم می‌شود.

□□ ماده ۳۷ - دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید

– هر گونه رسیدگی و تحقیقی که مفید و لازم بداند بدون  
احتیاج به درخواست به عمل می آورد و  
– پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند  
آن را تأیید و  
– چنانچه نقضی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق  
نظر خود

آن را تکمیل می نماید و هر گاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند  
آن را الغاء نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می نماید.  
▣ ماده ۳۸– هر گاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو  
قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص  
ذینفع یا زیادشدن نامی

– مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه  
– خارج نشده باشد دادگاه صادرکننده تصمیم  
– مستقلاً یا  
– به درخواست یکی از اشخاص ذینفع آن را تصحیح می نماید  
– و این تصحیح  
– زیر تصمیم دادگاه یا  
– برگ دیگری که پیوست آن می شود نوشته  
خواهد شد.

دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است.

– تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود  
ابلاغ می‌شود و  
– در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح  
آن هم در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

▣▣ ماده ۳۹- هر گاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم  
از اعتبار خواهد افتاد.

▣▣ ماده ۴۰- هرگاه دادگاه) - رأساً یا  
( بر حسب تذکر به خطاء تصمیم خود برخورد

در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد.  
▣▣ ماده ۴۱- تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است  
تغییر آن هم محتاج به درخواست است.

▣▣ ماده ۴۲- هر گاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسهایی که  
رسیدگی پژوهشی می‌کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر  
حسبی رسیدگی پژوهشی می‌نماید می‌تواند به توسط دادستان  
دیوان کشور نظر هیأت عمومی دیوان کشور را بخواهد و



– در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و  
– پس از آنکه دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید.

□ ماده ۴۳- دادستان دیوان کشور

– از هر طریقی که مطلع به سوء استنباط از مواد این قانون در دادگاه‌ها بشود یا  
– به اختلاف نظر دادگاه‌ها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد

نظر هیأت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاه‌ها ابلاغ شود و دادگاه‌ها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند

## رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹

رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده در صورتی که مخالف نظم عمومی نباشد، باید با رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان به عمل آید.  
متن رأی:

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مرداد ماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان در دادگاه‌ها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، تصریح گردیده فلذا دادگاه‌ها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلمة در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را برطبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲

▣ ماده ۴۴- کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود

مضر بدانند می‌توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم

- از دادگاه نخست صادر شده و یا
  - از دادگاه پژوهشی باشد
- و حکمی که در نتیجه اعتراض

صادر می‌شود ( قابل پژوهش و  
- فرجام ) است.

□ ماده ۴۵- مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به نظم جلسه رسیدگی شامل امور حسبی نیز خواهد بود.

□ ماده ۴۶- در امور حسبی

( اگر دادرس آشنا به زبان اشخاص باشد ملزم به مداخله دادن  
مترجم نیست و  
- در صورت احتیاج به مترجم دادرس می‌تواند کسی که طرف  
اعتماد او است برای ترجمه انتخاب نماید.

مترجم نباید از اشخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود.

□□ ماده ۴۷- در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل

( - وصی یا  
- قیم یا  
- ضم امین )  
ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و

حکمی که در این خصوص صادر می‌شود مطابق آیین دادرسی مدنی

قابل ( قابل پژوهش و  
- فرجام ) است.

## باب دوم: در قیمومت فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت

▣ ماده ۴۸- امور قیمومت

- راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و
- اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد

برای امور قیمومت صالح است.

### رای وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخه ۱۳۲۳/۷/۲۷

به موجب ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی «اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم است». از طرفی به موجب رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۲۳/۷/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «بر طبق ماده ۴۸ قانون امور حسبی، امور قیمومت نسبت به محجوری که اقامتگاه او در ایران می باشد با دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن می باشد، بنابراین مرجع تعیین قیم برای صغیر مقیم ایران دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه صغیر در حوزه آن باشد اعم از اینکه اقامتگاه پدر صغیر که فوت شده، در آن جا بوده یا نبوده باشد». بنابراین در جمع بین ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی و رأی وحدت رویه مزبور باید گفت که ماده ۱۰۰۶ در صورتی اجرا می شود که ولی قهری در قید حیات باشد.

### رای وحدت رویه شماره ۷۵۳ مورخه ۱۳۹۵/۶/۲

حکم ماده ۴۸ قانون امور حسبی که مقرر داشته «امور قیومت راجع به دادگاهی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است» و در رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴-۱۳۲۳/۷/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز بر آن تأکید شده است، ناظر به مواردی است که ابتدائاً باید برای محجور قیوم تعیین شود و لکن بعد از تعیین قیوم به حکم ماده ۵۴ همان قانون «عزل و تعیین قیوم جدید و تعیین قیوم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیوم کرده است»، بر این اساس در مواردی که دادستان هم طبق ماده ۲۱ قانون یاد شده مکلف به اقدامی باشد، دادرسی که در معیت این دادگاه انجام وظیفه می‌نماید، صالح به رسیدگی است. بنابراین، رأی شعبه سوم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

▣ ماده ۴۹- هرگاه محجور در خارج ایران ( - اقامت یا ) داشته باشد امور ( - سکنی )

قیومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.

▣▣ ماده ۵۰- در صورتی که محجور در خارج ایران ( - اقامت یا ) ( - سکنی )

دارد و مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی

- مأمور کنسولی ایران قییم موقت برای محجور معین نماید  
- اگر دادگاه تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ نکند تعیین قییم با دادگاه نامبرده خواهد بود.

### نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری قوه قضاییه

شماره ۷/۱۷۳ - ۱۳۶۱/۱/۲۱

سؤال: آیا غیر از صادر کردن حکم قییمومت سایر اقدامات مربوط به محجورین باید در دادسرای شهرستان انجام شود یا در دادگاه بخش مستقلاً که حکم مذکور را صادر نموده است؟  
ماده ۱ قانون حمایت خانواده و مقررات مربوط دیگر منجمله لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص صلاحیت قانونی دادستان را مورد تقاضای عزل و نصب قییم و نظارت در امور محجورین و امور اداری دیگر از قبیل صدور قییم نامه سلب نکرده و در مقر دادگاه بخش مستقل یا صلح مستقل نیز این صلاحیت باقی است لیکن دادستان می‌تواند وظایف اداری خود را در این مورد شخصاً انجام دهد یا وفق ماده ۱۶ قانون اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۱۵ به مأمورین مذکور در آن ماده نمایندگی بدهد.

**ماده ۱۲۱۸-** برای اشخاص ذیل نصب قییم می‌شود:

- ۱- برای صغاری که ولی خاص ندارند.
- ۲- برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل به زمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.

۳- برای مجانین و اشخاص غیررشید که جنون یا عدم رشد آن‌ها متصل به زمان صغر آن‌ها نباشد.

**ماده ۱۲۲۸-** در خارج ایران، کنسول و یا جانشین وی می‌تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آن‌ها قیوم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم اند، موقتاً نصب قیوم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیوم، مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیوم مزبور وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند. (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴)

**ماده ۵۱-** در صورتی که متوفی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آن‌ها مختلف است

– دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدواً تعیین قیوم کرده است می‌تواند برای صغاری هم که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیوم معین نماید و  
– اگر قیوم معین نشده باشد دادگاهی که کوچک‌ترین صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قیوم نسبت به تمام صغار صلاحیت خواهد داشت

و اگر معلوم نباشد کدام یک از صغار کوچک‌ترند هر یک از دادگاه‌ها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است.

□ ماده ۵۲- هر گاه در اقامتگاه محجور دادگاه صلاحیتدار برای امور قیمومت نباشد امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیتدار به اقامتگاه محجور خواهد بود.

□□ ماده ۵۳- در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد امور قیمومت با دادگاهی است که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود.

□ ماده ۵۴- 
$$\left( \begin{array}{l} \text{- عزل و تعیین قیم جدید و} \\ \text{- تعیین قیم موقت و} \\ \text{- سایر امور محجور} \end{array} \right)$$
 که راجع به دادگاه

است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است.

### نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری قوه قضاییه

شماره ۷/۷۹۳۳ - ۵۹/۱/۱۰

نصب قیم در مورد ایرانیان محجور قیم خارج از کشور مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی که هنوز معتبر و منیع می‌باشد بر عهده مأموران کنسولی ایران که محجور در حوزه مأموریت آنان ساکن یا مقیم است می‌باشد و مأمورین مذکور باید ظرف ده روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستند که در دادگاه مدنی خاص تهران آن را تنفیذ نماید.



## فصل دوم: ترتیب تعیین قیوم

▣ ماده ۵۵- علاوه بر اشخاص مذکور در ماده ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱

قانون مدنی) - شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و (در هر محل  
- مأمورین آنها و دهبان و بخشدار

مکلفند پس از اطلاع به وجود صغیری که محتاج به تعیین قیوم است به دادستان شهرستان حوزه خود اطلاع دهند.

ماده ۱۲۱۹- هر یک از ابویین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیوم معین شود، مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیوم به عمل آورد. (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴)

ماده ۱۲۲۰- در صورت نبودن هیچ یک از ابویین یا عدم اطلاع آنها، انجام تکلیف مقرر در ماده قبل به عهده اقبائلی است که با شخص محتاج [به] قیوم در یکجا زندگی می نمایند.

ماده ۱۲۲۱- اگر کسی به موجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیوم شود زن یا شوهر داشته باشد، زوج یا زوجه نیز مکلف به انجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

▣ ماده ۵۶- هر یک از دادگاهها که در جریان دعوی مطلع به وجود